

فهرست

سیمین بهبهانی

مجموعه اشعار



مؤسسه انتشارات نگاه

تأسیس ۱۳۵۲ء

فهرست

جای پا ۱۳۲۵-۱۳۳۵

۷۲.....	آغوش رنج‌ها	۱۹.....	چهره‌های واقعی
۷۴.....	کارمند	۲۱.....	نغمه‌ی روسپی
۷۷.....	خون‌بها	۲۴.....	سرود نان
۸۰.....	فرشته‌ی آزادی	۲۶.....	واسطه
۸۳.....	گمشده	۲۹.....	افسانه‌ی زندگی
۸۷.....	بستر بیماری	۳۳.....	دندانِ مُرده
۹۰.....	زن در زندان طلا	۳۷.....	جیب‌بُر
۹۳.....	ای زن! زن!	۴۰.....	درِ بسته
۹۶.....	من با توام	۴۲.....	دیدار
		۴۴.....	تسکین
۹۹.....	از خود گفتن‌ها	۴۷.....	نگاه آشنا
۱۰۱.....	سنگ گور	۵۰.....	به سوی شهر
۱۰۳.....	آنجا و اینجا	۵۳.....	هدیه‌ی نقره
۱۰۶.....	بازیچه	۵۶.....	رقاصه
۱۰۹.....	آرزو	۶۰.....	فوق‌العاده
۱۱۱.....	موریانه‌ی غم	۶۳.....	معلم و شاگرد
۱۱۳.....	سکوت سیاه	۶۷.....	میراث
۱۱۵.....	اگر دردی نباشد	۷۰.....	ناشناس

۲۴۲.....	سفره‌ی رنگین	۲۰۸.....	غبار ماه
۲۴۳.....	زنجبیر	۲۰۹.....	نوازش‌های چشمان کبودش
۲۴۵.....	درخت تشنه	۲۱۱.....	خورشید در آب افتاده
۲۴۶.....	گل زهر	۲۱۳.....	مشعل
۲۴۸.....	تاریکی شب	۲۱۴.....	موج
۲۴۹.....	بهانه	۲۱۵.....	یار گسسته
۲۵۰.....	بی‌شگیب	۲۱۸.....	شور نگاه
۲۵۲.....	۲- من و دیگران	۲۱۹.....	سبزه‌ی گمشده
۲۵۵.....	قَوو	۲۲۰.....	چشم شوم
۲۵۹.....	شب و نان	۲۲۳.....	ای خوش آن روز
۲۶۱.....	پیگ بهار	۲۲۵.....	شعله
۲۶۴.....	درد نیاز	۲۲۶.....	تکاپو
۲۶۷.....	فریاد می‌پرست	۲۲۹.....	گل یخ
۲۷۰.....	مرگ ناخدا	۲۳۰.....	سایه‌ی دیوار
۲۷۳.....	صبر کن ماه دگر	۲۳۲.....	عود
۲۷۵.....	فریادا!	۲۳۳.....	نسیم
۲۷۷.....	با دردم بساز	۲۳۵.....	گل خشک
۲۸۰.....	جواب	۲۳۷.....	دیوانه‌پسند
۲۸۲.....	در آفتابِ پُشتِ پرچین	۲۳۸.....	چرا؟
۲۸۴.....	ترانه‌ها	۲۴۰.....	غنچه‌ی راز
		۲۴۱.....	آتش تمناً

مهر ۱۳۳۶-۱۳۴۱

۲۹۶.....	یک دامن گل	۲۸۹.....	۱- بوده‌ها
۲۹۸.....	پیچک	۲۹۱.....	افسانه‌ی پری
۳۰۰.....	دیوانگی	۲۹۲.....	نامه‌ی شکوفه
۳۰۲.....	شب	۲۹۴.....	شراب نور
۳۰۳.....	گل رؤیا	۲۹۵.....	خورشید و شب

۱۵۰.....	شب صحرا	۱۱۸.....	سه‌تار شکسته
۱۵۱.....	فریاد شکسته	۱۲۱.....	نغمه‌ی درد
۱۵۲.....	لاله‌های سرخ	۱۲۳.....	آتش دام‌نگیر
۱۵۳.....	پیمان شکن	۱۲۵.....	سنگ صبور
۱۵۴.....	خیال منی!	۱۲۷.....	گریز
۱۵۵.....	شمع جمع	۱۲۹.....	سودای محال
۱۵۷.....	ستاره در ساغر	۱۳۱.....	من و شب
۱۵۸.....	باز هم	۱۳۳.....	لبخند
۱۶۰.....	آیینه‌ی دل	۱۳۵.....	کابوس
۱۶۱.....	کلاه نرگس	۱۳۹.....	جای پای
		۱۴۱.....	دفتر اندیشه
۱۶۳.....	و در پایان	۱۴۴.....	نگاه تو
۱۶۵.....	خورشید دیگر	۱۴۶.....	اذان
		۱۴۹.....	حریر ابر

چلچراغ ۱۳۳۵-۱۳۳۶

۱۸۸.....	نیلوفر آبی	۱۶۹.....	۱- با خود بودن‌ها
۱۹۰.....	دریا	۱۷۱.....	چلچراغ
۱۹۲.....	هنوز	۱۷۳.....	دلِ آزرده
۱۹۳.....	هرچند رفته‌ای	۱۷۵.....	گفتی که
۱۹۴.....	گله	۱۷۶.....	غرور
۱۹۶.....	آتش نهفته	۱۷۸.....	یار نداری
۱۹۹.....	افسون	۱۷۹.....	مهتاب خزان
۲۰۰.....	رهگذر نغمه‌ساز	۱۸۱.....	ای آشنا
۲۰۲.....	حسود	۱۸۲.....	دختر ترنج
۲۰۳.....	شراب	۱۸۵.....	چه عالمی دارم
۲۰۵.....	خطا کن!	۱۸۶.....	نگاه دار
۲۰۶.....	نگاه بی‌گناه	۱۸۷.....	اخگر

۴۰۳.....	تا بمانیم.....	۲۸۰.....	نامه.....
۴۰۵.....	دوست، دوست، دلتنگم.....	۲۸۳.....	نیمه شب.....
۴۰۶.....	گفتند یا با خموشی.....	۲۸۶.....	ای مرد.....
۴۰۸.....	بر من گذشتی.....	۲۸۷.....	۲-افزوده‌ها ۱۳۶۲-۱۳۶۵.....
۴۰۹.....	دگر چه با تو گویم.....	۲۸۹.....	اشاره.....
۴۱۱.....	در تنگنای پيله.....	۲۹۱.....	دیگر نه جوانم.....
۴۱۳.....	دلم دریغ.....	۲۹۲.....	تشنگان را نوش یارد.....
۴۱۵.....	چه گرم دوست می‌دارم.....	۲۹۵.....	پنجره‌ها بسته‌اند.....
۴۱۷.....	گر دوست دست گیرد.....	۲۹۷.....	تو آفتاب منی.....
۴۱۹.....	میان هر رگم از عشق.....	۲۹۹.....	ای قهرمان.....
۴۲۱.....	به جرم دلشدگی.....	۴۰۱.....	خسته مشو.....
۴۲۳.....	عشق دوباره می‌رسد.....		

رستاخیز ۱۳۴۱-۱۳۵۲

۴۴۵.....	خون مسموم شقایق.....	۴۲۷.....	غزل‌ها.....
۴۴۶.....	شکوه نور در آویزه‌ی بلور.....	۴۲۹.....	سایه‌ی دالان سمن‌ها.....
۴۴۸.....	آهوی دست‌هایت.....	۴۳۰.....	چشم لعلی‌رنگ خرگوشان.....
۴۴۹.....	تصویری از «ما».....	۴۳۲.....	رگبار بوسه.....
۴۵۰.....	شاخه‌های آهکی.....	۴۳۳.....	شهر بند سکوت.....
۴۵۲.....	گفت‌وگو.....	۴۳۴.....	قصه‌ی نیلوفر.....
۴۵۳.....	غرور آینه‌ی چشم من.....	۴۳۶.....	رسالت.....
۴۵۴.....	تاول اندیشه.....	۴۳۷.....	آخرین برگ.....
۴۵۵.....	فراموش نمی‌کردم.....	۴۳۸.....	دنایای کوچک من.....
۴۵۶.....	زبان اندیشه‌ها.....	۴۳۹.....	دل همچو آفتاب.....
۴۵۸.....	تک‌شاخه‌ها.....	۴۴۰.....	دیوار کوتاه.....
۴۵۹.....	بن‌بست.....	۴۴۱.....	آسمان خالی‌ست.....
۴۶۰.....	پایان انتظار.....	۴۴۲.....	مخمل خاکستر.....
۴۶۱.....	مرگ پیش از مرگ.....	۴۴۳.....	افیون وعده‌های تهی.....

۳۲۸.....	دام فریب.....	۳۰۵.....	برگ‌ریزان.....
۳۲۹.....	معبد متروک.....	۳۰۷.....	نشان پا.....
۳۳۰.....	بی‌خبری.....	۳۰۹.....	موج خیزی.....
۳۳۱.....	شبگرد.....	۳۱۰.....	گل انتظار.....
۳۳۲.....	من و تو.....	۳۱۱.....	از یاد رفته.....
۳۳۳.....	دو رنگی.....	۳۱۲.....	اجاق مرمر.....
۳۳۴.....	عطر پراکنده.....	۳۱۳.....	گر بوسه می‌خواهی.....
۳۳۵.....	ساق فریب‌زن.....	۳۱۴.....	شهاب طلایی.....
۳۳۶.....	آشفتنگی.....	۳۱۵.....	شکوفه‌ی سحر.....
۳۳۷.....	صدف.....	۳۱۷.....	یادگار.....
۳۳۸.....	خاکستر خیال.....	۳۱۸.....	گل کوه.....
۳۳۹.....	دیشب.....	۳۱۹.....	آتش دور.....
۳۵۰.....	آشتی.....	۳۲۰.....	این که با خود می‌کشم.....
۳۵۱.....	بهار بی‌گل.....	۳۲۱.....	برف گران.....
۳۵۲.....	توفان.....	۳۲۲.....	گل قاصد.....
۳۵۳.....	نازک‌تن.....	۳۲۴.....	باغ مهتاب.....
۳۵۴.....	خون سبز.....	۳۲۵.....	صد چمن لاله.....
۳۵۵.....	فریاد.....	۳۲۶.....	پونه‌ی وحشی.....
۳۵۶.....	جامه‌ی عید.....	۳۲۷.....	ساقه‌ی دمیده.....
۳۵۹.....	نیاز.....	۳۲۸.....	دیبای کبود.....
۳۶۲.....	در آشیان.....	۳۳۰.....	سپیدار.....
۳۶۴.....	گیره کور.....	۳۳۱.....	یک سحر.....
۳۶۶.....	عروسک مومی.....	۳۳۲.....	ننگ آشنا.....
۳۶۸.....	گل صحرایی.....	۳۳۳.....	افسون شیطان.....
۳۷۱.....	اندوه.....	۳۳۴.....	وفادار.....
۳۷۳.....	برای چشم‌هایت.....	۳۳۵.....	پولاد آبدیده.....
۳۷۵.....	چوب دار.....	۳۳۶.....	سجاف زرین.....
۳۷۷.....	رقص شیطان.....	۳۳۷.....	یاد.....

۵۹۹ تردید، تردید، تردید.....
 ۶۰۱ کویر بی برگی را.....
 ۶۰۳ زمان، زمان خواب است.....
 ۶۰۵ ای کودک امروزین!.....
 ۶۰۷ مرگت زوال شتاب است.....
 ۶۰۹ خشک، خشک، بی جان خشک.....
 ۶۱۱ می روی، شاد باد پروازت.....
 ۶۱۳ ما نمی خواستیم، اما هست.....
 ۶۱۸ بنویس! بنویس! بنویس!.....
 ۶۲۰ غبار خشک خون بر نخل.....
 ۶۲۱ بروید تا بمانم.....
 ۶۲۳ عشق، آمد چنین سرخ.....
 ۶۲۵ تیک، تاک! تیک، تاک!.....
 ۶۲۷ بر صفحه ای ژرفای کبود.....
 ۶۲۹ سیاه پر خشم گوفی.....
 ۶۳۱ خطی ز سرعت و از آتش.....
 ۶۳۲ نگاره ای گلگون.....

دست آرژن ۱۳۶۰-۱۳۶۲

۶۳۷ گولی! نهان کن دلت را.....
 ۶۳۹ گولی واره (۱).....
 ۶۴۱ گولی واره (۲).....
 ۶۴۳ گولی واره (۳).....
 ۶۴۵ گولی واره (۴).....
 ۶۴۷ گولی واره (۵).....
 ۶۴۹ گولی واره (۶).....
 ۶۵۱ گولی واره (۷).....
 ۶۵۳ گولی واره (۸).....
 ۶۵۵ گولی واره (۹).....
 ۶۵۷ گولی واره (۱۰).....
 ۶۵۸ گولی واره (۱۱).....
 ۶۶۰ گولی واره (۱۲).....
 ۶۶۲ گولی واره (۱۳).....
 ۶۶۴ گولی واره (۱۴).....
 ۶۶۶ گولی واره (۱۵).....
 ۶۶۸ گولی واره (۱۶).....

۵۶۷ در لجه ای سرگردانی.....
 ۵۶۹ در من نشسته به نرمی.....
 ۵۷۱ باد، فتح غروب را.....
 ۵۷۳ شکیب از که طلب داری؟.....
 ۵۷۵ در دیده تصویر کن.....
 ۵۷۷ آوای شما.....
 ۵۷۹ خواهد از من رسوا.....
 ۵۸۱ از جمعه ی سیاه.....
 ۵۸۳ چه سکوت سرد سیاهی!.....
 ۵۸۵ بر سفره ای چرمین، امشب.....
 ۵۸۷ پرواز توانی آیا؟.....
 ۵۸۹ در خواب هول رفتم.....
 ۵۹۱ سازش میسندید.....
 ۵۹۳ ار قلب تاریخ است.....
 ۵۹۵ نمی توانم ببینم.....
 ۵۹۷ آسمان سرخ است.....

۴۶۲ شاید که مسیحا است.....
 ۴۶۳ خوابدانه.....
 ۴۶۴ عطر نرگس های چشم.....
 ۴۶۶ قندیل سرخ سیب ها.....
 ۴۶۷ فریاد و کوه.....
 ۴۶۸ غبار سرپ.....
 ۴۷۰ عایق سربی.....
 ۴۷۲ حصار بلورین.....
 ۴۷۳ در کارگاه.....
 ۴۷۵ روح زمهریری.....
 ۴۷۷ پستان خشک شب.....
 ۴۷۸ از بوته ای خوشبوی گلپر.....
 ۴۸۱ دوبیتی ها.....
 ۴۸۳ فعل مجهول.....
 ۴۸۷ درس تاریخ.....
 ۴۹۱ مرگ قهرمان.....
 ۴۹۴ مردگان خاموشند.....
 ۴۹۶ بی سرنوشت.....

خطی ز سرعت و از آتش ۱۳۵۲-۱۳۶۰

۵۰۳ تا جمعه ی سیاه.....
 ۵۰۵ دربارهی اوزان غزل های خطی.....
 ۵۰۹ مخوان.....
 ۵۱۱ خارهای زشت.....
 ۵۱۳ جامی گناه خواهم.....
 ۵۱۵ نیزارها.....
 ۵۱۷ ای جهانی سوگوار.....
 ۵۱۹ با چنین قانون سربی.....
 ۵۲۱ در خانه نشستیم.....
 ۵۲۳ مخمل مژگان مشکین.....
 ۵۲۴ ای بسته تو در تو!.....
 ۵۲۶ شبی مهرت گذر.....
 ۵۲۸ ای عشق!.....
 ۵۳۰ مسخ آن چنان شدید.....
 ۵۳۲ ای پرده برگرفته ز رخ.....
 ۵۳۴ شبی به امن حریم تو.....
 ۵۳۶ چون سایه ای زلف سیاه.....
 ۵۳۸ سزوی سبز شکیب آموز.....
 ۵۴۰ آه این چه پیوند است؟.....
 ۵۴۲ دانم ای دل!.....
 ۵۴۴ درخت ارغوان.....
 ۵۴۶ دوستت می دارم.....
 ۵۴۸ من روخ می فروشم.....
 ۵۵۰ هنوز موی بسته را.....
 ۵۵۲ ز شب خستگان یاد کن!.....
 ۵۵۴ سر در نشیب حسیضم.....
 ۵۵۶ صورتگر چیره دست.....
 ۵۵۸ در کبود بی انتها.....
 ۵۵۹ باز بهار است.....
 ۵۶۱ بس که در این دیر کهنه.....
 ۵۶۳ دانه دانه، سرخی و سبزی.....
 ۵۶۵ شعله نگفته با تو اگر.....

یک دریچه آزادی ۱۳۶۲-۱۳۷۲

هفت رنگ درون..... ۷۷۱	عید پول زرد و عروسک..... ۸۲۵
پلک به هم نهم..... ۷۷۲	نیستی تا ز درِ خانه‌ی یاران... ۸۲۷
پرواز نبض بود به اوج..... ۷۷۵	شاد خوانی..... ۸۲۹
آیا بهار جاویدم؟..... ۷۷۷	بچرخ، چرخ، همبازی..... ۸۳۱
آیا کدامین آبی..... ۷۷۸	بخوان..... ۸۳۳
درخت نارنج شیراز..... ۷۸۰	یک دریچه آزادی..... ۸۳۵
میوه‌های خارپشتی..... ۷۸۲	من دیر دیر سالم..... ۸۳۷
چگونه دست دهد آیا؟..... ۷۸۴	آیا تمام شد بازی..... ۸۳۹
شب، لاجورد و خامشی..... ۷۸۶	آن دو خاتون که دیدی..... ۸۴۱
در ناکزیر خاموشم..... ۷۸۸	بس که روشنم..... ۸۴۳
سخت به جوشی، دلا!..... ۷۹۰	چهره سپردم به تیغ..... ۸۴۵
این شاخه‌های خشک زمستانی..... ۷۹۲	آه! عشق ورزیدم..... ۸۴۷
خط به آخر آمده است..... ۷۹۴	خوشه به خوشه عشق شد..... ۸۴۹
در کاسه‌ی سرم، مغزی..... ۷۹۶	— سلام — والسّلام..... ۸۵۱
من با صدای تو می‌خوانم..... ۷۹۸	ای همچو تندیس رومی..... ۸۵۳
به جا نهاده ز پی..... ۸۰۰	هزار پروانه‌ی طلا..... ۸۵۵
می‌رقصد از نشاطِ بهاری..... ۸۰۲	چرا، چرا نورزم عشق..... ۸۵۷
دو ردیف برگ اقاقی..... ۸۰۴	نگاه دار..... ۸۵۸
ز شاخه باز ببالم..... ۸۰۶	«اوی» من..... ۸۵۹
صدای پای که می‌آید..... ۸۰۸	بود آن چه بود..... ۸۶۱
رنگدان‌ها بیارید..... ۸۰۹	زمین کروی شکل است..... ۸۶۳
دل دارد سر بازی..... ۸۱۱	داغِ جگرگوشه یا تو..... ۸۶۵
برای خدا کمکم کن..... ۸۱۳	عروس مینایی..... ۸۶۶
شکسته در من چیزی..... ۸۱۵	مردی که یک پا ندارد..... ۸۶۸
هرچه کردم نتوانستم..... ۸۱۷	گردن آویز..... ۸۷۰
می‌آمدی و سینه برافروخته بودی..... ۸۱۸	این آخرین پنجشنبه‌ست..... ۸۷۱
ای شاهِ سواران..... ۸۱۹	ترانه‌ی زنگ دبستان..... ۸۷۳
خورشید زلف نارنجی..... ۸۲۳	

دوباره باید ساخت..... ۷۱۷	و پنج ترانه..... ۶۷۱
کدام ابر زهر آگین؟..... ۷۱۹	یک..... ۶۷۳
بار، بردوش آنهاست..... ۷۲۱	دو..... ۶۷۴
هی‌ها... هی‌ها... ره بگشا!..... ۷۲۳	سه..... ۶۷۵
پای در چشمه، بر خسته‌سنگی..... ۷۲۵	چهار..... ۶۷۶
سارا! چه شادمان بودی..... ۷۲۷	پنج..... ۶۷۷
من: گنگ خوابیده..... ۷۲۹	با عشق، با عشق، با عشق..... ۶۷۹
دوازده خوشه با من..... ۷۳۱	همیشه در خیال من..... ۶۸۱
به دشت‌های برفی..... ۷۳۳	حضور ژرفی مرمی..... ۶۸۳
من آن روز می‌گفتم..... ۷۳۵	عید آمد و می‌رود..... ۶۸۴
به لطف می‌آمد از دور..... ۷۳۷	باز بهار آمد..... ۶۸۶
اسب می‌نالید، می‌لرزید..... ۷۳۹	دل گرفته، ای دوست!..... ۶۸۸
گفتی که انگور است..... ۷۴۱	آه چگونه بگویم..... ۶۸۹
خفاش یا مرغ دیگر..... ۷۴۳	بهار شاد شورافکن..... ۶۹۱
خوشه بود، خوشه‌ی طلا..... ۷۴۵	غنچه‌وش، در هوایت..... ۶۹۳
خاکی که بخش او کردند..... ۷۴۶	چه بی‌امان..... ۶۹۴
وقت درو کردن گل شد..... ۷۴۸	رویده‌ام..... ۶۹۶
آبی‌ست این جگر، آبی..... ۷۵۰	کو برگ لاله‌ام؟..... ۶۹۸
بزن!..... ۷۵۲	کدام فتنه جادو کرد؟..... ۷۰۰
ذهن، دود حلقه حلقه..... ۷۵۴	این صدای شکفتن را..... ۷۰۲
ببین چگونه می‌پوسد..... ۷۵۶	رها مکن، که پر زدن را..... ۷۰۴
طبل بی‌مرگی..... ۷۵۹	برفشان گل، صغیر باد..... ۷۰۵
فارغ ز «من» چگونه شوم؟..... ۷۶۱	این کجا سپیده‌ست!..... ۷۰۷
برآمده از آبنوس و شب..... ۷۶۳	تن کشیده زیر بال شب..... ۷۰۹
کجاست آن که به آگاهی..... ۷۶۵	دوباره می‌سازمت، وطن!..... ۷۱۱
ببین به هیئت نیلوفر..... ۷۶۷	حمید آزاد شد..... ۷۱۳
	باید چیزی نوشت..... ۷۱۵

یکی مثلاً این که... ۱۳۷۲-۱۳۷۷

- ۱۰۲۸ عزیزتر ز جان، احمد!
 ۱۰۴۰ نَفَسی برون نمی آید
 ۱۰۴۲ باید تو را دیده باشم
 ۱۰۴۴ آیا قبولشان داری؟
 ۱۰۴۶ در انتظار تناسخ
 ۱۰۴۸ خاله گردن دراز من!
 ۱۰۵۲ نان و پنیر و صداقت
 ۱۰۵۵ صبحی بگو بدرخشد
 ۱۰۵۷ با گلوگاه سرخ بخوان
 ۱۰۵۹ ۱/۷۰
 ۱۰۶۱ با شصت خوشه‌ی زرین
 ۱۰۶۳ با نخل‌های سترون
 ۱۰۶۵ من کاملاً باز چون گل
 ۱۰۶۷ نیمی از راه مانده‌ست
 ۱۰۶۹ فضا چنان حقیقی بود
 ۱۰۷۱ عشق حسرتی‌ست کنون
 ۱۰۷۳ یکی مثلاً این که
 ۱۰۷۵ بشمار برگ‌های گلی را
 ۱۰۷۷ چراغ ... کتاب
 ۱۰۷۹ آشفتگی هیولایی‌ست
 ۱۰۸۱ طاق یا جفت...؟
 ۱۰۸۳ سبابه‌ام با کلیدی
 ۱۰۸۵ حُب، که این‌طور
 ۱۰۸۷ بانو
 ۱۰۸۹ مجسمه‌یی در سواره‌رو
 ۱۰۹۱ سلام، ای روشنایی!
 ۱۰۹۳ در واپسین هنگام
 ۱۰۹۵ چه پای سختی فشرده‌ام!

- ۹۸۱ گم کرده هرچه مُرواری
 ۹۸۳ ای شهر!
 ۹۸۵ بیرون ز خطی، ای «من»!
 ۹۸۷ وقتی که تهمت می‌گذارند
 ۹۸۹ رنجیدنت از چه بود؟
 ۹۹۱ پسرم، ساعت
 ۹۹۳ تندیس پُر دروغ من!
 ۹۹۵ با تو بودن
 ۹۹۷ برون می‌خزد ز پوست
 ۹۹۹ نوشیدنی، گرم یا سرد؟
 ۱۰۰۳ دلم با تو می‌آید
 ۱۰۰۵ پشت عروسک‌فروشی
 ۱۰۰۷ از خُمره تا جهان
 ۱۰۰۹ قلم به کف عطارد من!
 ۱۰۱۱ شب در سحر حل می‌شد
 ۱۰۱۳ زهی دهان گشودگان
 ۱۰۱۵ صدای کیست؟
 ۱۰۱۷ در زیر چادری از ابر
 ۱۰۱۸ ببخش دیوخیان را
 ۱۰۲۰ در حجمی از بی‌انتظاری
 ۱۰۲۲ عروسی‌ی فیگارو
 ۱۰۲۴ ای غزال جوان سال
 ۱۰۲۶ گر زبانم بر آری
 ۱۰۲۸ باجی
 ۱۰۳۰ در دگه‌ی کتاب‌فروشی
 ۱۰۳۲ گل‌ها را بگذار این‌جا
 ۱۰۳۴ تختی، سحر شد، برخیز!
 ۱۰۳۶ نسیم باش...

- ۸۷۵ با تخته‌پاره و تنهایی
 ۸۷۷ Caduceus
 ۸۷۹ من زاده‌ام اینان را
 ۸۸۲ به شب که هر مرغ و ماهی
 ۸۸۴ تندیس آهویت مبارک
 ۸۸۶ میان جالیز می‌دم
 ۸۸۸ کودک روانه از پی بود
 ۸۹۰ His Master's Vio
 ۹۴۳ بال و خیال
 ۹۴۵ من چرم زمین شکافته‌ام
 ۹۴۷ وقتی که پنجه‌ی تاریکی
 ۹۴۹ مُرس
 ۹۵۱ خناق
 ۹۵۲ از عدم آمد که پر کند
 ۹۵۴ باور نمی‌کنید
 ۹۵۶ نیلوفری چو حلقه‌ی دود
 ۹۵۸ ای کوه
 ۹۶۰ آیینها را تیره کن
 ۹۶۲ سنگواره
 ۹۶۵ اشارتی و گذاری
 ۹۶۷ تب تب تب طبلی می‌کوفت
 ۹۶۹ و نگاه کن
 ۹۷۱ دوازده چشمه‌ی خون
 ۹۷۳ چه برف شیشه‌مانندی
 ۹۷۵ قسم به انجیر و زیتون
 ۹۷۷ گفت پروردگار است این
 ۹۹۳ میاد اوفتاده بمیرم
 ۸۹۵ حدیث گاو حسن
 ۸۹۷ شانه‌ی فیروزه
 ۸۹۹ مار اگر مارِ خانگی ست
 ۹۰۰ کاج
 ۹۰۲ پاییز خسته‌ی غمگین
 ۹۰۵ به برگ آنچه رقم کردم
 ۹۰۷ بیار نامه که بنویسم
 ۹۰۹ عزیز دور غمگین
 ۹۱۱ صبح است و آسمان ابری
 ۹۱۳ همیشه سبز بمان ای سرو
 ۹۱۵ سلامی ز عقده‌ی عشقی
 ۹۱۷ عطر قهوه با خیالت
 ۹۱۹ می‌نویسم و خط می‌زنم
 ۹۲۱ حالی‌ست حالم نکفتنی
 ۹۲۳ زنی که با قرص خورشید
 ۹۲۵ میان مه نمان می‌شد
 ۹۲۷ بگذار اعتراف کنم
 ۱۴ □ مجموعه اشعار سیمین بهبهانی

جای پا

۱۳۳۵-۱۳۳۵

- سارا و من ۱۰۹۷
سیاه ... سفید ۱۱۰۰
نشاط صف آرایی ۱۱۰۲
بهار! باز هم سیزی؟ ۱۱۰۴
در سیاهی ی شبِ نومیدان ... ۱۱۰۶
به عرش، دست و انگشتر ۱۱۰۸

تازه‌ها ۱۳۷۷-...

- ای عشق، دیر آمده‌ای ۱۱۱۳
سبز و بنفش و نارنجی ۱۱۱۴
که چی؟ ۱۱۱۶
از عشق و سوسه می‌سازی .. ۱۱۱۸
گفت‌وگو ۱۱۲۰
به کاسه‌ی این خالی ۱۱۲۲
فرمان‌پذیر آتش باش ۱۱۲۴
اِرهاب ۱۱۲۶
برای انسان این قرن ۱۱۲۸
جامه‌دران ۱۱۳۰
وقتی زمانه جوان است ۱۱۳۲
آنان که خاک را ۱۱۳۴
گو آفتاب برآید ۱۱۳۶
صدای تو ۱۱۳۸
با قهر چه می‌کُشی مرا ۱۱۴۰
با کوله‌ی هفتاد و هشتاد ۱۱۴۲
لعنت ۱۱۴۴
در طول راه ۱۱۴۵

- نمایه ۱۱۴۷
افاعیل اوزان تازه ۱۱۷۵
گاه‌شمار ۱۱۸۹

نغمه‌ی روسپی

آمد این گیسو که در من گوید
بوی منم توییست منم از اولی ن آمدی
سینه‌سور امشب من می آید
بماند منم بر منم در منم توییست
وای وای غم ز غم نیست و غم
زیست باسکال ز غم ز غم زیار ز غم
کاین زمان شدوی او می آید
بماند منم توییست و غم

لب من ساری لب منم توییست
بیر غم بر منم توییست و غم
تا مرا چند درم توییست و غم
چون که بر منم توییست و غم

بده آن قوطی‌ی سرخابِ مرا

تا ز نم رنگ به بی‌رنگی‌ی خویش

بده آن روغن، تا تازه کنم

چهر پژمرده ز دلتنگی‌ی خویش.

ساری لب منم توییست و غم

بده آن عطر که مشکین سازم

گیسوان را و بریزم بر دوش

بده آن جامه‌ی تنگم که کسان

تنگ گیرند مرا در آغوش.

سینه‌سور امشب من می آید

بده آن تور که عریانی را

در حَمَش جلوه دوچندان بخشم؛

هوس‌انگیزی و آشوبگری

به سر و سینه و پستان بخشم.

سینه‌سور امشب من می آید

بده آن جام که سرمست شوم،
به سیه‌بختی خود خنده زخم؛
روی این چهره‌ی ناشاد غمین
چهره‌ی شاد و فریبنده زخم.

وای از آن هم‌نفس دیشب من -
چه روانگاه و توانفرسا بود!
لیک پرسید چو از من، گفتم:
کس ندیدم که چنین زیبا بود!

وان دگر همسر چندین شب پیش -
او همان بود که بیمارم کرد:
آنچه پرداخت، اگر صد می‌شد،
درد، زان بیشتر آزارم کرد.

پُر کس بی‌کسم و، زین یاران
غمگساری و هواخواهی نیست،
لاف دلجویی بسیار زنند
لیک جز لحظه‌ی کوتاهی نیست.

نه مرا همسر و هم‌بالینی
که کشد دست وفا بر سر من
نه مرا کودکی و دل‌بندی
که برد زنگ غم از خاطر من.

آه، این کیست که در می‌گوید؟
- همسر امشب من می‌آید!
وای، ای غم، ز دلم دست بکش
کاین زمان شادی‌ی او می‌باید!

لب من - ای لب نیرنگ فروش -
بر غم پرده‌ی از راز بکش!
تا مرا چند درم بیش دهند،
خنده کن، بوسه بزنی، ناز بکنش!...